



دو فصلنامه علمی- پژوهشی

مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه

سال سوم، شماره پنجم

شماره مجوز نشریه: ۷۳۵۷۳

ISSN: ۲۵۸۸۷۰۱۷

اعضای هیئت تحریریه

نصرالله آقاجانی: استادیار دانشگاه باقرالعلوم ع

حسین بستان: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

قاسم ابراهیمی پور: استادیار موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ع

میر صالح حسینی جبلی: استادیار جامعه المصطفی ع العالمیه

حسن خیری: دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی

کریم خانمحمدی: دانشیار دانشگاه باقرالعلوم ع

محمد رضا ضمیری: دانشیار دانشگاه پیام نور

صاحب امتیاز: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

مدیر مسئول: حمید پارسانیا

سردبیر: حسن خیری

مدیر اجرایی: رضا لطفی

ویراستار: مرضیه علاقه بند

مترجم: علی ابراهیمی

طراحی و صفحه آرایی: مهدی محمدیان

به استناد مصوبه ۵۸۵ مورخه ۱۳۸۷/۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه و با توجه به ارزیابی کمیسیون نشریات علمی حوزه، شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی در جلسه ۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۵ رتبه علمی- پژوهشی نشریه «مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه» را تصویب نمود. امید است با اتکال به خداوند منان و الطاف حضرت ولی عصر ع و تلاش و تعهد مدیران و اعضای محترم هیئت تحریریه گام های مؤثری در جهت تحقق اهداف علمی و رشد و بالندگی اندیشه اسلامی برداشته شود.

فهرست

۱..... سازمان دانشگاه اسلامی به مثابه نهاد علم

علی خدیوی و محمدحسین هاشمیان

۲۹..... سفرنامه ابن بطوطه و نهادهای اجتماعی

نعمت‌اله کرم‌اللهی و محمد جوادفر

۵۷..... تحلیل مبانی انسان‌شناختی نظریه‌های امپریالیستی اکتساب‌محور

محمد دین‌محمدی، مهدی حسین زاده یزدی و رضا لطفی مغانجوقی

۷۹..... بررسی نشانه‌شناختی پدیده انگشتر در میدان نقش جهان اصفهان

کریم خان محمدی و مریم غازی اصفهانی

۱۱۱..... راهبردهای هنجارسازی اجتماعی در تبلیغ دینی

سید محسن میرسنده‌سی

۱۳۹..... رهیافتی معناشناسانه به مسائل نوپدید فرهنگی از منظر قرآن

عباس ابراهیمی و اصغر اسلامی‌تنها

سازمان دانشگاه اسلامی به مثابه نهاد علم^۱

علی خدیوی^۲

محمدحسین هاشمیان^۳

چکیده

دانشگاه مدرن، به عنوان نماد گفتمان مدرنیته در حوزه علم و فرهنگ، حامل باورها و ارزش‌هایی در تضاد با جوامع اسلامی بود. بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اسلامی شدن و تغییر ارزش‌های آن به نفع جامعه اسلامی، به یکی از آرمان‌های انقلاب تبدیل شد. در این راستا ایده‌ها، پژوهش‌ها و اقدام‌های گوناگونی برای اسلامی سازی دانشگاه انجام شد. پژوهش حاضر به دنبال یافتن رهیافتی برای «اسلامی شدن» و بررسی چگونگی حل تضاد سازمان دانشگاه مدرن (فعلی) با جامعه اسلامی است. در این تحقیق، از روش کیفی مطالعه کتابخانه‌ای، مصاحبه، و روش تحلیل مضمون، برای پاسخ به این پرسش‌ها استفاده شده است: چگونه دانشگاه مدرن می‌تواند تضاد خود با جامعه را به صورت بنیادین حل کند؟ الگوهای نهادی چه کمکی به این کار می‌کنند؟ کدام یک از عناصر سازمان دانشگاه، بیشترین سهم را در اسلامی شدن سازمان دانشگاه بر عهده دارد؟

یافته‌ها نشان داد که دانشگاه با عناصر ذهنی و عینی جامعه اسلامی در ارتباط است و عنصر محیط، اصلی‌ترین نقش را در تعریف سازمان دانشگاه اسلامی دارد. همچنین روشن شد که دانشگاه با «نهادی شدن» می‌تواند تضاد و فاصله خود با جامعه اسلامی را از بین ببرد و قدرت و مهارت سخن گفتن و همدلی با مردم، و مشروعیت و استمرار حیات خود را به دست آورد. بنابراین سازمان دانشگاه اسلامی به مثابه نهاد علم، انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر با جامعه اسلامی است و دارای سه عنصر و رکن نهادی راهبردی، فرهنگ و ساختار سازمانی است که در فرایند نهادی شدن سازمان دانشگاه بیشترین تأثیر و تأثر را دارند.

کلمات کلیدی: نهاد علم، جامعه اسلامی، دانشگاه اسلامی، روش تحلیل مضمون،^۴ سازمان،^۵ محیط،^۶ نهادی شدن.^۸

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹.

۲. دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم (مکاتبه کننده) a.khadivi51@gmail.com

۳. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم (نویسنده مسئول) hashemi1401@gmail.com

2. Islamic university.

5. Thematic analysis method.

6. Organization.

7. Environment.

8. Institutionalization.

مقدمه

با ورود الگوهای جدید نظام آموزشی از غرب به جهان اسلام، دانشگاه و مدارس جدید به یک مسئله و چالش جدی تبدیل شدند و مسئله‌های جدیدی نیز از درون آنها به وجود آمد. دانشگاه مدرن،^۱ به عنوان نماد^۲ گفتمان^۳ مدرنیته^۴ در حوزه علم و فرهنگ، حامل باورها و ارزش‌هایی بود که با جوامع اسلامی در تضاد بود و با تفسیر سکولاریستی^۵ از جهان، موجب تقدس‌زدایی، عرفی‌گرایی، حذف سنت‌های دینی، تربیت نیروی انسانی مدرن، و خلق طبقه اجتماعی جدید شد (افتخاری، ۱۳۹۶: ۳۱). این نظام مدرن آموزشی و تربیتی در ایران با تأسیس «دارالفنون» آغاز شد و با تهیه اولین نسخه از «دانشگاه کلمبیا»^۶ و تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ به دستور رضاخان، ادامه یافت (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۱۸۰). با مرور زمان، دانشگاه به مخالفت با مظاهر دینی و مراکز علمی، به‌ویژه نظام روحانیت برخاست و زعامت فرهنگی جامعه را از حوزه‌های علمیه و مدارس سنتی سلب، و به درس‌خوانده‌های غربی واگذار کرد (همان). به همین دلیل پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران با سر دادن شعارهایی همچون «بعثت اسلامی»، «انقلاب فرهنگی» و «پاک‌سازی اسلامی»، خواستار اسلامی شدن دانشگاه مدرن شدند و فصل جدیدی را رقم زدند (افتخاری، ۱۳۹۶: ۳۱).

در کنار اقدامات فراوان اجرایی، پژوهش‌های زیادی پس از انقلاب، در حوزه «اسلامی شدن» انجام شد که حاصل آنها رهیافت‌هایی در حوزه تحول در علم (مصباح و دیگران، ۱۳۶۱: ۱۹۷)، تهذیب علم (زائری، ۱۳۹۵: ۳۷-۷، به نقل از: نصر، ۱۳۸۴) علم تمدنی (سوزنچی، ۱۳۸۹)، و تحول در استاد بود. مدافعان این رهیافت، تحول در دانشگاه را با تحول در عالم و استاد دانشگاه مرتبط می‌دانند و معتقدند دانش‌ها باید در استخدام ارزش‌ها قرار گیرند و ارزش‌ها به‌طور بنیادی متحول شوند. این کار از طریق آموزش و آشکار کردن ارزش‌های اسلامی و از طریق تغییرات مناسب در شرایط عینی و مادی زندگی صورت می‌گیرد تا به تناسب آنها، ارزش‌های نوین در اذهان ایجاد شود (زائری، ۱۳۹۵: ۳-۷، به نقل از: سروش ۱۳۹۶).

آن چه در این پژوهش‌ها و رهیافت‌ها کمتر مشاهده می‌شود، نگرش سازمانی به دانشگاه است؛ در

1. Modern University.
2. Symbol.
3. Discourse.
4. Modernity.
5. Secularist interpretation.
6. Columbia University.



حالی که همه کارکردهای آموزشی، پژوهشی، تربیتی و اجتماعی دانشگاه، در چارچوب و ساختاری به نام سازمان انجام می‌شود (یاسپرس، ۱۳۹۵: ۱۰۳) و چالش اصلی دانشگاه در ایران با متغیر محیط سازمانی است؛ در واقع سازمان دانشگاه در ایران با رویکردی عقلایی^۱ و بدون ملاحظه جغرافیای فرهنگی، مذهبی و سیاسی جامعه تأسیس شده است. بنابراین باید به این پرسش‌ها پاسخی مناسب داد: دانشگاه مدرن (فعلی) چگونه می‌تواند تضاد خود و جامعه را به صورت بنیادین حل کند؟ الگوهای نهادی چه کمکی به این کار می‌کنند؟ در صورت تحول، کدام یک از عناصر سازمانی دانشگاه بیشترین سهم را بر عهده خواهند داشت؟

پیشینه تحقیق

دانشگاه از حوزه‌های گوناگون مطالعه شده است. برخی از پژوهشگران با رویکرد فلسفی و به دنبال فهم ایده و چیستی دانشگاه اند. نگاه فلسفی بیانگر این است که دانشگاه اصولاً نه یک مکان یا حتی یک ساختار، بلکه یک ایده و مفهوم فلسفی است (سفید خوش، ۱۳۹۵: ۱۱۳-۱۳۶). کتاب ایده دانشگاه شامل دوازده اثر علمی از مجموعه نویسندگانی^۲ است که درباره ایده و نظریه دانشگاه در غرب تدوین شده و بیانگر این است که تفاوت دانشگاه‌ها به ایده آنها وابسته است و ایده‌های فلسفی، روح دانشگاه به شمار می‌آیند و مسیر اصلی آن را تعیین می‌کنند؛ به طور مثال دانشگاه پاریس با ایده فلسفی خدمت به الهیات سامان یافت و سایر دانشگاه‌های اروپایی آن زمان نیز از ایده دانشگاه پاریس الهام گرفتند؛ دومین ایده، خدمت به اهداف عالی دولت - ملت است. دانشگاه‌های سده هجدهم بیشتر، ملهم از این ایده بوده‌اند؛ سومین ایده، جست‌وجوی حقیقت است که این ایده را بیش از همه، همبولت نظریه‌پردازی کرد و با تأسیس دانشگاه برلین، نخستین کالبد آن را پدید آورد؛ ایده چهارم که در چند دهه اخیر در آمریکا

1. Rational

۲. عناوین مقالات کتاب ایده دانشگاه به این شرح است: ۱. «نزاع دانشکده‌ها»، از ایمانوئل کانت؛ ۲. «ایده دانشگاه»، از جان هنری نیومن؛ ۳. «خود ابرازی دانشگاه آلمانی»، از مارتین هایدگر؛ ۴. «تحقیق، آموزش و پرورش»، از کارل یاسپرس؛ ۵. «ایده دانشگاه؛ دیروز امروز فردا»، از هانس گنورگ گادامر؛ ۶. «ایده دانشگاه، فرایندهای یادگیری» از یورگن هابرماس؛ ۷. «اصل دلیل؛ دانشگاه در چشم شاگردانش»، از ژاک دریدا؛ ۸. «هرم نزاع دانشکده‌ها» از ژاک دریدا؛ ۹. «آزادی آکادمیک»، از جان سرل؛ ۱۰. «خدا، فلسفه، دانشگاه‌ها»، از مک ایتنایر؛ ۱۱. «علم و دانشگاه»، از فرد پولاک؛ ۱۲. «تلقی رمانتیک از دانشگاه و بنیادی نوین در برلین»، از میشائیل هوفستتر.



ظهور کرده و در حال جهانی شدن است، ایده دانشگاه درآمذزا و کارآفرین است (همان). یاسپرس نیز از نظریه پردازان با رویکرد فلسفی به دانشگاه است. ایشان در کتاب ایده دانشگاه (یاسپرس، ۱۳۹۵) درباره چیستی دانشگاه، رابطه دانشگاه با عناصر و نهادهای محیطی مانند دولت-ملت، و میزان آزادی آکادمیک دانشگاه و نقش دانشگاه در ایمان آموزی بحث می کند و به مبانی دانشگاه و انواع رسالت ها و ایده ها درباره دانشگاه ها در جهان می پردازد. یاسپرس دانشگاه را خودآیین، و رسالت اصلی آن را جست و جوی حقیقت می داند و از یکی از الزامات اصلی آن را آزادی آکادمیک معرفی می کند. وی علم را نیازمند جهت مندی، و جهت دهی علم را وظیفه فلسفه می داند و معتقد است که علم جایگزین نیازهای انسان به ایمان و فلسفه نمی شود و نمی تواند جای ایمان و فلسفه را بگیرد.

با گذشت زمان، رابطه سازمان دانشگاه با محیط، مورد توجه جدی پژوهشگران و نظریه پردازان قرار گرفت و آن را به سمت الگوهای سازگار با محیط نزدیک کرد. بنابراین برخی از نویسندگان با رویکرد جامعه شناختی به بررسی کارکردهای دانشگاه پرداختند. انتشار مقاله «سیر تحولی دانشگاه به مثابه نهادی امروزی» (Cabal, 1993) نمونه ای از این رویکرد جدید است. نویسنده مقاله اظهار می دارد که موقعیت حال یا آینده دانشگاه، هر چه که باشد، با کارکرد آن به مثابه نهاد مرتبط است. دانشگاه موفق دانشگاهی است که در تحقق وظیفه خودگردانی، آزادی و خدمت به دنیای بیرون و محیط اجتماعی اطراف خود موفق باشد؛ و اصلی ترین کارکرد خود، یعنی خدمت به دنیای بیرون را همراه با کیفیت، عدالت، کارایی، پایداری و شایستگی؛ و نشر فرهنگ و گسترش ارتباط مراکز آموزش عالی با محیط اطراف خود؛ و پیش بینی آینده را به خوبی انجام دهد.

به قلم همین نویسنده، کتاب دیگری با عنوان دانشگاه، نهادی امروزی (Alfonso, 1993) منتشر شده که حاصل تلاش ایشان در بررسی چالش های پیش روی دانشگاه در حال و آینده است. نویسنده با نگرش سازمانی به دانشگاه، با دو مفهوم کلیدی «اداره کردن» و «خدمت» سازمان دانشگاه را به دو بخش درونی که نیازمند مدیریت است، و بیرونی که در پی خدمت است، تقسیم می کند و مشکلات و چشم اندازهای حوزه آموزش عالی، اعم از فلسفه وجودی دانشگاه، اهداف و کارکردها، ساختار و خدمات آن به فرهنگ را مطرح، و تأکید می کند که هیچ وقت دانشگاه جدا از جامعه نبوده و نیست. برخی از چالش های آن نظیر مشکلات اقتصادی، ناشی از مشکلات محیطی است که بر دانشگاه تحمیل می شود. بنابراین دانشگاه می تواند از نقش آفرینان اصلی و موتور محرک توسعه جوامع باشد و به دلیل مشکلات نباید باز تولید بی عدالتی در جوامع کند.

همین رویکرد در سال ۲۰۰۷ در کتاب جامعه شناسی آموزش عالی (Gumport, 2007) مبنای



بحث و تحلیل کارکردهای دانشگاه در جوامع و تأثیر تحولات اجتماعی بر الگوهای دانشگاه شد. الگوهایی که تا پیش از سال ۱۹۷۰ میلادی مطرح است، پویا و تحول کالج‌ها و دانشگاه‌ها را همچون بوروکراسی‌های به ظاهر سازماندهی شده توصیف کرده‌اند. الگوهای مطرح شده و مشابه در آن برهه تاریخی، همگی دانشگاه‌ها را چیزهایی هدفمند در نظر گرفته، و الگوهایی از آن را پروراندند که به شدت درون‌انگیخته‌اند؛ یعنی بیش از اینکه از بیرون خود تأثیر بپذیرند، از منطق درونی‌شان فرمان می‌برند؛ به عبارت دیگر، دانشگاه را همانند یک سیستم عقلایی درون‌گرا توصیف کرده‌اند که برای فعالیت خویش، بیشتر به روابط درونی و منابع داخلی خویش تکیه دارد.

نویسنده با شناسایی چهارده نمونه از الگوهای دانشگاه‌های جهان، به بررسی علل و زمینه‌های محیطی شکل‌گیری این الگوها پرداخته است. این نکته جالب توجه است که همه این الگوها متأثر از مسائل محیطی‌اند و سرعت تحولات محیطی، دانشگاه در غرب را تقریباً در هر دهه، مجبور به بازنگری در ساختار و راهبردهای خود کرده است. این تحولات، حتی برخی مواقع هویت علمی و کارکردهای اصلی دانشگاه را به مخاطره انداخته و دانشگاه را به سمت «کالایی شدن»^۱ برده است.

همچنین تعدادی از پژوهش‌ها با بهره‌گیری از دانش جامعه‌شناختی و نظریه‌های سازمان^۲ به تحلیل رابطه دانشگاه با محیط بیرونی پرداخته‌اند. در ادامه به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. کتاب دانشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند؛ سازمان علمی و رهبری آن از منظر سیبرنتیک (Birnbaum & Edelson, 1989) به تحلیل تفاوت‌های سازمانی در دانشگاه‌های فرضی و خیالی با الگوی مشارکتی^۳ (تقسیم قدرت و ارزش در جامعه برابرها)؛ الگوی بروکراتیک^۴ (ساختار تصمیم‌گیری عقلانی)؛ الگوی سیاسی^۵ (رقابت بر سر قدرت و منابع)؛ و الگوی هرج و مرج طلب و آنارشستی^۶ (معنایابی در اجتماعی از بازیگران خودمختار) پرداخته و از تلفیق نکات قوت و مثبت این سیستم‌ها، الگوی جدید دانشگاه با ویژگی انعطاف‌پذیری^۷ و سیبرنتیک^۸ (سیستم‌های خودکار) را پیشنهاد کرده است.

تحولات اجتماعی برخی مواقع هویت علمی و کارکردهای اصلی دانشگاه را به مخاطره انداخته و

1. Commodity.
2. Organizational Theories.
3. Collegiality.
4. Bureaucratic.
5. Political.
6. Anarchist.
7. Flexibility.
8. Cybernetics.



دانشگاه را به سمت «کالایی شدن»^۱ و «توده‌ای شدن»^۲ برده است. این آسیب نیز از نظر پژوهشگران دور نمانده است؛ برای مثال، یورگن هابرماس در کتاب به سوی جامعه عقلانی (Habermas, 1971) از صنعتی و ابزاری شدن دانش و از تأثیر منفی تکنولوژی بر رسالت اصلی دانشگاه به شدت انتقاد، و تلاش می‌کند رسالت دانشگاه را در چارچوب نظریه کنش ارتباطی خویش، تعریف کند. انتقاد از تغییر هویت دانشگاه در غرب به حدی است که برخی، از دانشگاه به شرکت (تجاری) تعبیر می‌کنند. مؤلف مقاله «دانشگاه شرکتی در آمریکا» (Schultz, 2005) با همین رویکرد، از «خصوصی شدن»^۳ و «کالایی شدن علم» انتقاد می‌کند و درباره پیامدهای منفی آن هشدار می‌دهد.

رابطه دانشگاه با محیط و جامعه ایران در میان پژوهشگران ایرانی نیز مطرح بوده است؛ برای نمونه، برخی پژوهشگران، درباره تأثیرات دانشگاه بر ارزش‌های جامعه ایران (معیدفر، ۱۳۸۶)، و میزان سازگاری و تناسب دانشگاه با محیط ایران (حسینقلی‌زاده، ۱۳۹۰) و (فرهادی‌راد، ۲۰۱۳: ۲۴-۲۳)؛ و عده‌ای نیز درباره آینده دانشگاه پژوهش کرده‌اند (مهدی، ۱۳۹۲)، یا میزان پاسخگویی سازمان به فشارهای نهاد حاکم (مطالبات مقام معظم رهبری) را بررسی کرده‌اند (ردادی، باقری‌کنی، حاجی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

در این میان، در پژوهش‌هایی مانند گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران (فراستخواه، ۱۳۹۶) رابطه دانشگاه با جامعه ایران تحلیل تاریخی شده است. نویسنده معتقد است: وجود ثبات و پایداری در محیط، از الزامات توفیق دانشگاه مدرن است. دانشگاه نباید «گاه و بی‌گاه» شود؛ روزی مورد التفات سیاست‌یون و روزی مورد بی‌مهری قرار گیرد، یا یک روز امری ضروری و روزی دیگر غیر لازم شمرده شود. جامعه ایران برای استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه باید با آن هماهنگ شود و به الزامات آن پایبند باشد.

برخی نیز دانشگاه در ایران را تحلیل گفتمانی، و بر تفاوت گفتمان دانشگاه مدرن با گفتمان نظام تعلیم و تربیت اسلامی تأکید کرده‌اند؛ از جمله مؤلف کتاب نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن (Menashri, 1992) دانشگاه در ایران را این‌گونه تحلیل کرده است.

هر کدام از مقالات یادشده، در فهم گوشه‌ای از مسائل مهم و پیچیده نظری دانشگاه مؤثرند، اما در قبال سازمان دانشگاه اسلامی و نوع ساختار آن ساکت‌اند؛ این در حالی است که به باور محقق، همه کارکردهای آموزشی، پژوهشی، تربیتی و اجتماعی دانشگاه، در چارچوب و ساختاری به نام سازمان دانشگاه انجام می‌شود. بر این اساس، مؤلف این مقاله با بهره‌گیری از آخرین الگوهای سازمانی، به بررسی علل تضاد دانشگاه با جامعه اسلامی و راه‌حل آن می‌پردازد.

1. Commodity.
2. Commonalty.
3. Privatization.



ادبیات تحقیق

سازمان‌ها نهادهای اجتماعی‌اند که هدف معین، ساختار اختیاری و برنامه‌ریزی‌شده، و سیستمی فعال و هماهنگ دارند و با محیط خارجی نیز در ارتباط‌اند (دفت، ۱۳۹۰: ۱۵) و شیوه اندیشیدن درباره سازمان و دانش به کار رفته برای مشاهده و تجزیه و تحلیل سازمان‌ها به‌صورت دقیق‌تر و عمیق‌تر را تئوری سازمان می‌گویند (همان: ۲۴).

نوع نگرش و اندیشیدن نظریه‌پرداز به سازمان، تعریف محیط و قلمرو آن را در سازمان روشن می‌سازد. مدرنیست‌ها هر موجودیت اثرگذار برون‌سازمانی را که بتواند محدودیت‌ها یا خواسته‌های خود را بر سازمان تحمیل، یا آن را بی‌ثبات کند، محیط سازمان نامیده‌اند (هچ، ۱۳۸۹: ۱۳۹). این رویکرد، محیط را از حیث مفهومی به سه سطح حوزه سازمانی، جمعیت‌های سازمانی و میدان‌های سازمانی تقسیم کرده است. حوزه سازمانی، سطحی از سازمان را شامل می‌شود که با ملاحظه محصولات یا خدمات عرضه‌شده و افراد تحت پوشش آن تعیین می‌شود؛ مانند عرضه‌کنندگان، مصرف‌کنندگان، رقبا و... سطح جمعیت‌های سازمانی، مجموعه‌ای از سازمان‌هایی را شامل می‌شود که در برخی جنبه‌ها با این سازمان مشابه‌اند؛ مانند مؤسسات آموزش عالی، مدارس، صدا و سیما، روزنامه‌ها و... سطح میدان‌های سازمان، مربوط به روابط بین مجموعه‌ای از سازمان‌ها در چارچوب یک حوزه جغرافیایی است (اسکات، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

صاحب‌نظران رویکرد نمادین-تفسیری، معتقدند محیط نوعی ساخت اجتماعی و سازهایی نظری است که اعضای سازمان با ساخت قالب‌هایی که فکر می‌کنند معنادار است، محیط را وضع می‌کنند و محیط سازمان بر اساس تفسیرهای مدیران، ممکن است به گونه‌ها و اندازه‌های گوناگون ساخته شود. در رویکرد پسامدرن، سخن از سازمان بدون مرز است (هچ، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۲).

با روشن شدن محدودیت‌های سیستم عقلایی و توجه به محیط در تحلیل سازمان، زمینه‌های شکل‌گیری نظریه‌های جدید برای تحلیل رابطه سازمان با محیط به وجود آمد؛ نظریه‌های اقتضایی محیطی،^۱ وابستگی به منابع،^۲ بوم‌شناسی جمعیت،^۳ و نهادی^۴ از مهم‌ترین آنها به شمار می‌روند. طرفداران نظریه اقتضایی معتقدند سازمان در محیط پایدار، با مشخص کردن خطوط دقیق

1. Contingency Theory.
2. Resource Dependency Theory.
3. Population Ecology.
4. Institutional Theory.



سلسله مراتب و تخصص، به فعالیت‌های عادی و یکنواخت می‌پردازد و در محیط ناپایدار، مدیران سازمان‌ها با انعطاف‌پذیری، کارکنان را تشویق می‌کنند تا مهارت‌های کاری خود را با نیازهای محیط ناپایدار، متناسب سازند و در مواجهه با رقبا و فرصت‌های متغیر محیطی عمل کنند (همان: ۱۶۲).

در نظریه وابستگی به منابع، سازمان، خودکفا از محیط نیست؛ بلکه تعامل با محیط، شرط بقای سازمان است. بنابراین میزان وابستگی به منابع و میزان قدرت سازمان در تهیه آن، ماهیت و حدود سازمان را تعیین می‌کند. سازمان عنصری بسیار فعال در برابر محیط است که به سرنوشت خویش حساس است. افراد سازمانی، به ویژه مدیران، فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی را به موقع شناسایی، و برای به دست آوردن منابع لازم تلاش می‌کنند و از هزینه‌های غیرضروری می‌پرهیزند (اسکات ۱۳۸۷: ۱۹۱)، (Aldrich, 1976, p.83).

فرایندهای «شکل‌گیری»، «گزینش»^۱ و «حفظ»^۲ (بقا)، شالوده اصلی نظریه بوم‌شناسی جمعیت سازمانی را شکل می‌دهند. در این نظریه، محیط دارای قدرتی است که می‌تواند از میان گروهی از سازمان‌های رقیب، سازمان‌هایی را انتخاب کند که نیاز محیط را به بهترین وجه برآورده سازند. بنابراین سازمان‌ها برای بقا با هم رقابت می‌کنند (هچ، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

یکی دیگر از رویکردهای مهم درباره ارتباط سازمان با محیط، مدل نهادی است. نظریه نهادی سازی تأکید می‌کند که سازمان‌ها سیستم‌هایی باز هستند که به شدت تحت تأثیر محیط خود قرار دارند؛ اما بسیاری از نیروهای سرنوشت ساز، نتیجه فشارهای عقلایی برای عملکرد مؤثر نیستند، بلکه نتیجه فشارهای اجتماعی و فرهنگی برای تطبیق باورهای قراردادی‌اند (اسکات، ۱۳۸۷: ۹۷)

بسیاری از نظریه‌پردازان سازمان، فیلیپ سلزنیک را پدر نظریه نهادی می‌نامند (هچ، ۱۳۸۹: ۱۷۶). نظریه نهادی، با تأکید بر محیط، به عنوان زمینه شکل‌گیری و رشد سازمان‌ها، از انطباق سازمان با ارزش‌های محیطی برای به دست آوردن قدرت سیاسی و مشروعیت نهادی، تعبیر به «نهادی شدن»^۴ می‌کند (Selznick, 1949, 10). نهادی شدن، یک نوع آشتی سازمان با نهاد اولیه اجتماعی آن سازمان و یک نوع فرایند رشد ارگانیک سازمان^۵ است که در طول زمان، اعضای آن سازمان با تلاشی فراتر از ملزومات فنی کار، سعی می‌کنند با ارزش‌های جامعه سازگار شوند و مانند سایر نهادهای

1. Formation.
2. Selection.
3. Survive.
4. Institutionalization.
5. The organic growth process of the organization.



جافتاده اجتماعی رفتار کنند و با ایجاد روحیه انطباق‌پذیری^۱ و انعطاف‌پذیری و نوآوری، به پایداری و پویایی دست یابند (ایروانی، ۱۳۹۱: ۸).

در نظریه نهادی شدن، باور اعضای سازمان بر این است که زندگی و هویت آنها متکی بر نهادی است که در آن فعالیت می‌کنند و هرگونه تغییر در محیط و یا از میان رفتن آن، آثاری بر اعضای نهاد و کل جامعه خواهد داشت (فرنچ، ۱۳۷۰: ۲۱۹).

پس از سلزنیک، نظریه نهادی نوین مطرح شد که فراتر از نظریه سلزنیک بود و علاوه بر توصیف مفاهیم، درباره فرایند نهادی شدن نیز بحث کرد. مفهومی که فرایند تجانس با محیط را می‌تواند به‌صورت کامل در بر گیرد، مفهوم هم‌شکلی است. هم‌شکلی به‌صورت هم‌شکلی اجباری^۲، فرایندهای تقلیدی^۳ و فشارهای هنجاری^۴ رخ می‌دهد (تسلیمی، میرزایی، اهرنجان، محسنی، قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۸). هم‌شکلی اجباری، ناشی از فشار اجباری از طرف نهادهای رسمی و دولتی است. در هم‌شکلی تقلیدی، سازمان‌ها به‌ویژه در مواقع بحران، به تقلید از سازمان‌های موفق رو می‌آورند. هم‌شکلی هنجاری، تلاش سازمان برای انطباق با هنجارها و ارزش‌های محیطی است (ردادی، باقری‌کنی، حاجی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۴۲). البته تئوری نهادی نوین^۵ به دنبال هم‌شکلی صرف نیست، بلکه بیشتر به دنبال انتقال ارزش‌های ذی‌نفعان به سازمان است (مشبکی؛ تقوی شوازی، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۷۳ به نقل از: Scott, 2008) با انتقال ارزش‌های نهادی به ساختار استراتژی و عملیاتی یک سازمان، هم‌شکلی اتفاق می‌افتد. به همین دلیل پارسونز^۶ همه سطوح سازمان را نیازمند نهادی شدن نمی‌داند، بلکه ابتدا سطوح سازمان را به سه قسمت و لایه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: سطح فنی سازمان که به فعالیت‌های تولیدی می‌پردازد. سطح مدیریتی که به فعالیت‌های کنترل و هماهنگی و تأمین منابع و فروش محصولات مربوط است؛ و سطح نهادی که سازمان را به هنجارها و عرف‌های اجتماع و جامعه مرتبط می‌کند. هر سازمان، خرده‌نظامی از یک نظام اجتماعی بزرگ‌تر محسوب می‌شود که نظام اجتماعی، منبع معنا، مشروعیت بخشیدن، یا حمایت بیشتر است و تحقق یافتن اهداف و استراتژی سازمان را ممکن می‌سازد (اسکات، ۱۳۸۷: ۴۳). انواع نظریه‌های «سازمان-محیط» به همراه ویژگی هر یک از آنها در جدول (۱) بیان شده است.

1. Adaptability.
2. Coercive Isomorphism.
3. Mimetic Processes.
4. Normative Processes.
5. Neo Institutional Theory.
6. Parsons.



جدول ۱: نظریه‌های ارتباط محیط و سازمان.

نظریه‌ها	نظریه پردازان	پارادایم	ویژگی سازمان
اقتضایی محیطی	تام برنز ^۱ جورج استاکر ^۲	مدرنیته	در محیط با ثبات و پایدار: تعریف دقیق سلسله مراتب و حوزه مسئولیت؛ با فعالیت عادی و اختیارات متمرکز، ساختار سازمان مکانیکی. در محیط ناپایدار: انعطاف-پذیری در برابر محیط؛ سازگاری با تغییرات سریع محیطی، اختیارات اعضا زیاد، و تمرکز پایین، مهارت کارکنان متنوع و در حال تغییر، ساختار سازمان ارگانیک.
وابستگی به منابع	جفری پففر ^۳ جرالده سالانیک ^۴	مدرنیته	رویکرد از محیط به سمت سازمان؛ تأکید عمده بر کل سازمان، و رفتار سازمانی و ارتباطش با سایر سازمان-ها؛ اهمیت فعالیت در محیط به اندازه درون سازمان.
بوم‌شناسی جمعیت	مایکل هانان ^۵ جان فریمن ^۶ هوارد الدریدج ^۷	مدرنیته	رویکرد از محیط به سمت سازمان؛ گزینش سازمان توسط محیط بر مبنای برتری هماهنگی؛ وابستگی حیات و منافع سازمان بر محیط؛ سازمان پیوندی از رقبا (نظیر عرضه‌کنندگان، مصرف‌کنندگان، مؤسسه-های نظارتی، ذی‌نفعان) (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۸۸)؛ (هچ، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

1. Tam Burns.
2. George. M. Stalker.
3. Jeffrey Pfeffer.
4. Gerald R. Salancik.
5. Michael T. Hannan
6. John freeman
7. Howard E. Aldric.



نظریه‌ها	نظریه پردازان	پارادایم	ویژگی سازمان
نظریه نهادی	ریچارد اسکات ^۱ ، فیلیپ سلزنیک ^۲	نمادین تفسیری	رویکرد از سازمان به محیط؛ رقابت برای جذب قدرت سیاسی و مشروعیت نهادی از محیط؛ انطباق با ارزش‌های جامعه؛ باور اعضا به گره خوردن سرنوشت آنها با سرنوشت سازمان و محیط (فرنچ، ۱۳۷۰: ۲۱۹)؛ تنوع تقاضای محیط از سازمان؛ تشویق سازمان توسط محیط به دلیل سازگاری با باورها، ارزش‌ها، هنجارهای محیط (هچ، ۱۳۸۹: ۱۷۶).
	مایر ^۳ ، روان ^۴ ، دیماجو ^۵ ، پاول ^۶		دارای ریشه جامعه شناختی عمیق؛ فراتر از نظریه‌های سلزنیک؛ کسب مشروعیت منابع و بقا از طریق پذیرش فشارهای نهادی اجباری، هنجاری و تقلیدی؛ ایجاد هم‌شکلی با انتقال ارزش‌های نهادی به ساختار، استراتژی و عملیات سازمان؛ پیگیری انتقال ارزش‌های ذی‌نفعان و جلب حمایت آنها برای سازمان.

تفاوت نظریه نهادی با سایر نظریه‌های محیطی، جدی است. اغلب نظریه‌ها محیط را عامل گزینش‌گر و حیات‌بخش نمی‌دانند؛ به تعبیر دیگر، محیط عنصری مزاحم و زیاده‌خواه لحاظ می‌شود که در مسیر سازمان ایجاد مانع می‌کند و سازمان به دلیل فشارهای محیط، مجبور به هماهنگی و سازگاری اجباری با آن می‌شود. در نظریه نهادی، ایجاد تحول و تغییر و رفتن به سوی سازمان، ابتدا در درون سازمان و باورهای اعضای آن شکل می‌گیرد. سازمان برای کسب هویت و مشروعیت، محیط را نه تنها تهدیدی برای حیات خویش تلقی نمی‌کند، بلکه عامل مؤثری برای رشد خویش فرض می‌کند و هویت خویش را در آن جست‌وجو می‌کند و خویشتن را بدون آن، از خود بیگانه و منقطع فرض می‌کند.

1. Richard Scott.
2. Philip Selznick.
3. Meyer.
4. Rowan.
5. DiMaggio.
6. Powell.



در این میان، نظریه نهادی شدن سلز نیک، ظرفیت بیشتر و بهتری برای تبیین موضوع تحقیق حاضر دارد؛ چرا که عمده‌ترین تفاوت نظریه نهادی با سایر نظریه‌ها در این است که برخلاف سایر الگوها، نهادی شدن، اصالت را به محیط می‌دهد و سازمان را تابع محیط می‌داند و معتقد است نهادی شدن، از مرگ و انزوای سازمان توسط محیط جلوگیری می‌کند و آن را از روزمرگی و تصمیم‌های خسته‌کننده و تکراری که باعث کاهش قدرت تصمیم‌گیری در اعضای سازمان می‌شود، نجات می‌دهد و به پایداری، پویایی، مقاومت سازمان در برابر تغییرات و تحولات اجتماعی و ناخواسته آینده، و ورزیدگی، و کوچک شدن اندازه سازمان و ساختار سازمانی و کم کردن بروکراسی و پیچیدگی، و رسمیت بالا در ساختار سازمانی و افزایش خلاقیت و نوآوری می‌رساند و سازمان را مملو از ارزش‌های جامعه می‌کند و اثربخشی و پاسخ‌گویی آن را افزایش می‌دهد (همان: ۴۰).

روش تحقیق

در این مقاله برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب نظران، و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است.

مصاحبه، ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی متغیرها و روابط آنها و پیشنهاد فرضیه‌ها، از طریق تعامل مستقیم کلامی میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده است (نصر و کریمی، ۱۳۹۲: ۷۱ به نقل از Cohen, 2002). هدف در تفسیر و تحلیل داده‌های مصاحبه، عمدتاً تحلیل و مقایسه محتویات دانش متخصصان است که با طرح پرسش‌های مرتبط با هدف‌های تحقیق، صورت می‌گیرد. پرسش‌ها امکان دسترسی به درون ذهن افراد را برای مصاحبه‌گر فراهم می‌کند و موجبات اندازه‌گیری میزان آگاهی یا اطلاعات و علاقه افراد (ارزش‌ها و ترجیحات) و نوع تفکر (نگرش‌ها و عقاید) مصاحبه‌گر را ممکن می‌سازد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

مصاحبه به سه دسته ساختاریافته، نیمه‌ساختاریافته و بدون ساختار تقسیم می‌شود. در مصاحبه ساختاریافته، مجموعه‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌های از قبل تعیین‌شده و یکسان، به طور شفاهی از مصاحبه‌شونده پرسیده می‌شود و پاسخ‌دهنده فقط یکی از پاسخ‌های ارائه‌شده را انتخاب می‌کند. در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، سؤالات مصاحبه از قبل مشخص می‌شود و مصاحبه‌گر از میان جواب پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابه می‌پرسد و مصاحبه‌شوندگان در طریقه بیان پاسخ خود، آزادند. در

1. Theme



این تحقیق، از میان انواع مصاحبه، از مصاحبه «بدون ساختار» یا «بازر» استفاده شد. سؤالات استاندارد شده و پاسخ‌های از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد؛ مصاحبه‌گر با استفاده از ابتکار خویش و ایجاد فرضیه‌های جدید و آزمودن جنبه‌های متعددی از نظرات مصاحبه‌شوندگان، آن‌گونه که در گفت‌وگو پیش می‌آید، موضوع را بررسی می‌کند (دلاور، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۵۹).

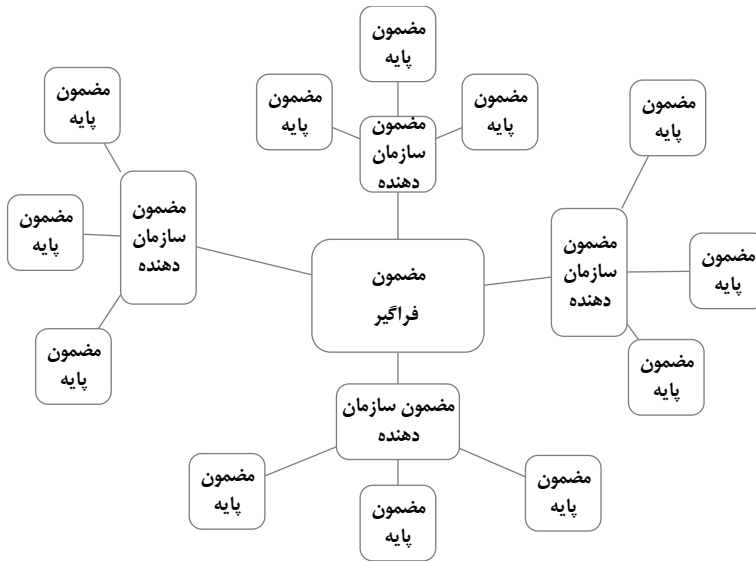
روش تحلیل مضمون، روشی برای دیدن درست متن، درک مناسب اطلاعات، تبدیل داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی، و کمی به کیفی^۱ است (عابدی، تسلیمی، فقیهی، شیخ‌زاده، ۱۳۹۰ به نقل از Boyatzis, 1998, p4). این روش، راهبردی است که داده‌ها را تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌کند و مضامین (تم‌های) موجود درون داده‌ها و الگوهای مکنون^۲ و پوشیده در داده‌ها را تعیین می‌کند. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنا و مفهوم الگویی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به‌طور کلی مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که در نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی درباره سؤالات تحقیق است (Boyatzis, 1998).

در تحلیل مضمون، معمولاً از یکی از روش‌های قالب مضامین،^۳ ماتریس مضامین،^۴ تحلیل مقایسه‌ای،^۵ و یا شبکه مضامین^۶ استفاده می‌کنند. در این مقاله، از شبکه مضامین استفاده شده که مناسب‌ترین روش برای تحلیل داده‌هاست و با دسته‌بندی مضامین حداقل در سه سطح پایه،^۷ سازمان‌دهنده،^۸ و فراگیر،^۹ شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و با تحلیل آنها، مفاهیم کلیدی در قالب استعاره‌های اساسی حاکم بر کل متن به دست می‌آید منظور از مضمون پایه، داده‌های اولیه‌ای است که مستقیم از متن استخراج، و مبنایی برای سایر مضامین محسوب می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده، خوشه‌هایی هستند که مضامین پایه را در سطح انتزاعی‌تر دسته‌بندی، تلخیص و نام‌گذاری می‌کنند. و مضامین فراگیر نیز با تلخیص مجموعه‌ای از مضمون‌های سازمان‌دهنده، بازتولید می‌شوند (فرهادی-

1. Qualitative.
2. Latent.
3. Template Analysis.
4. Thematic Matrix.
5. Comparative Analysis.
6. Thematic Network.
7. Basic.
8. Organizing.
9. Global.



راد، ۲۰۱۳ به نقل از (Attride-Stirling, 2001) در شکل (۱) شیوه خوشه‌بندی مضامین در سه سطح نشان داده شده است.



شکل ۱: شیوه خوشه‌بندی روش تحلیل مضمون

شبکه‌سازی، فرایند و مرحله‌ای دارد که شامل مطالعه متن داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین و ترسیم شبکه مضامین، تسهیل شبکه همخوانی مضامین با کدهای مستخرج، تعریف و نام‌گذاری مضامین، و ثبت گزارش نهایی است.

فرایند مصاحبه در این مقاله، این‌گونه است که ابتدا از میان پژوهشگران، سیاست‌گذاران و مدیران با سابقه حوزه علم و فرهنگ و دانشگاه، تعدادی برای مصاحبه باز انتخاب شدند. معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان این بود که در حوزه مدیریت دانشگاه، حداقل ده سال سابقه مدیریتی داشته باشند، یا در حوزه سیاست‌گذاری نهاد علم، سابقه مؤثر، همانند عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی داشته باشند. از میان مصاحبه‌شوندگان حوزوی نیز کسانی انتخاب شدند که سابقه مدیریت در دانشگاه‌های ترکیبی (مؤسسه‌های علمی حوزوی-دانشگاهی) را داشتند. از محققان نیز با کسانی مصاحبه شد که دارای اثر فاخر علمی در حوزه دانشگاه بودند.

1. Code.



پس از تعیین لیستی از مصاحبه‌شوندگان، پرسش‌ها به اقتضای نوع مصاحبه، به‌صورت کلی طراحی شد و قبل از جلسه در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. عناوین پرسش‌ها عبارت بودند از: چیستی، ویژگی و شاخص‌های دانشگاه اسلامی؛ تفاوت دانشگاه اسلامی با دانشگاه مدرن؛ چگونگی رابطه دانشگاه اسلامی با جامعه اسلامی؛ موانع و چالش‌های اسلامی شدن دانشگاه؛ شاخص‌های مرتبط با اسلامی بودن دانشگاه. هر جلسه از چهل دقیقه تا شصت دقیقه طول کشید. با برخی از آنها دو جلسه متوالی مصاحبه انجام شد؛ سپس صوت مصاحبه‌ها با دقت و بدون هیچ تصرفی، پیاده‌سازی و تایپ، و برای خوشه‌بندی مضامین، وارد نرم افزار «مکس کیو دی ای»¹ شدند و در سه سطح فراگیر و سازمان دهنده و پایه، مضامین کدگذاری شدند. بدین ترتیب، الگوی مفهومی رابطه دانشگاه اسلامی با محیط به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

۱. چیستی سازمان دانشگاه اسلامی

با تحلیل مضمون متون مصاحبه‌ها، سی و دو مضمون پایه از مصاحبه‌ها به‌گونه‌ای که در جدول (۲) نشان داده شده است، به دست آمد.

جدول ۲: مضامین پایه و سازمان دهنده و فراگیر رابطه سازمان دانشگاه اسلامی و محیط

مضامین پایه	سند مصاحبه
مدافع ارزش‌ها	یکی از رسالت‌های دانشگاه اسلامی، دفاع از ارزش‌هاست.
تعامل با حوزه	حضرت امام <small>رحمه‌الله</small> می‌فرمود: دانشگاه و حوزه دو بال این انقلاب‌اند. نگرش رهبری هم به حوزه و دانشگاه همین است.
توحیدی	اسلامی‌ترین بخش دانشگاه در بخش هدف‌هاست. هدف‌ها هستند که ما را پیش می‌برند. نگاه توحیدی دانشمندان، و نگاه خیرخواهانه عدالت خواهانه کار را پیش می‌برد.

1. MAXQDA is Qualitative Data Analysis software for Windows and Mac OS X.



مضامین پایه	سند مصاحبه
پیرو نظام معنایی مشترک	مفهوم امت، آن نوع اجتماع انسانی است که بر اساس نظام معنایی با هم جمع شده اند. در مفهوم جامعه، شراکت لحاظ شده است. مشکل جدی نسبت دانشگاه با دین، در نظام تئوریک و معرفتی دانشگاه است. وقتی نظریه‌ها دینی باشند، جامعه هویت دینی پیدا می‌کند. تاریخ علم مبتنی بر مبانی فلسفی خودمان خوانده شود. مفهوم و معنای علم، طبقه‌بندی علم و خیلی چیزها باید زیرورو شود.
تبیین ارزش‌های وحیانی	دغدغه ما تبیین ارزش‌های وحیانی است. ما برای دفاع از دین، رشته‌هایی راه انداخته‌ایم تا دین را در کارکردش مساعدت کند. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که (روش) وحی و عقل را می‌پذیرد.
کرامت انسانی	همان‌گونه که در بخش مهندسی و فناوری، مردم تا حدی از دستاورد دانشگاه برخوردارند، در علوم انسانی نیز همین است. اینها به نوعی کرامت انسانی را رعایت کردن است. ما به عنوان دانشگاه اسلامی، کرامت انسانی را رعایت می‌کنیم.
فضیلت محوری	اخلاق اسلامی را باید جاری کنیم. ما در بیمارستان‌های خودمان بد اخلاقی را کاملاً مشاهده می‌کنیم. فرهنگ سازمانی، ارزش‌های حاکم بر روابط انسانی در روابط استاد با دانشجو، مسئول با هیئت علمی، منطبق با آموزه‌های دینی باید باشد و کاربرد های احادیث (اخلاقی) را مثلاً در ارتقا و تشویق و تنبیه کارمندان اجرایی کرد.
اخلاق حرفه‌ای	همه گرایش‌های اخلاقی مانند اخلاق پزشکی، اخلاق دانشجویی، اخلاق پژوهشی و... را غرب تولید کرده و ما توجیه کرده‌ایم. قدرت غرب در این است که توانسته این مباحث را نهادینه کند.
پاسخگو	دانشگاه باید ولایت‌پذیر باشد.
ولایت‌مدار	جامعه نیازمند ولی است؛ چون ولی، عامل وحدت است، پس فرهنگ ولایت‌مداری باید نهادینه شود.
حق محور	دانشگاه اگر متناسب با عدل حرکت کند، عدالت‌محور می‌شود. عدل مطابق با حق بودن است.
قانون‌گرا	نظام اسلامی و دانشگاه، باید خود را با حق هماهنگ نمایند. تفکر حاکم بر دانشگاه باید درستی و حقیقت و عدالت باشد.
عدالت رفتاری	عدالت، خروجی فقه، دین، قانون و ثمره رفتار انسان است.



مضامین پایه	سند مصاحبه
عدالت ساختاری	ساختار عادلانه موجب تولید انبوه عدالت می‌شود.
عدالت توزیعی	عده‌ای هر روز به فکر تحقیق، علم‌آموزی، رشد و تأثیرگذاری اجتماعی و جهانی هستند و عده‌ای محروم‌اند. در اولویت‌بندی پژوهشی، عدالت را باید رعایت کرد.
شایسته‌سالاری	شایسته‌سالاری باید در شاخص‌ها و فرایندهای مورد استفاده در به‌کارگیری، یادگیری، ادا مه کار، پاداش و تنبیه اشخاص و واحدهای دانشگاهی و در انت‌خاب و عزل مدیران و ... خودش را نشان بدهد. دانشگاه باید نماد عدالت و علم باشد. انتخاب‌ها بر اساس توانمندی و تعهد افراد برای دست یافتن به اهداف دانشگاه باشد.
بازتولید عدالت	دانشگاه و حوزه بیش از همه باید به قسط توجه کنند. بنیان‌های عدالت را دانشگاه‌ها تبیین می‌کنند.
رشد علمی	مردم حق عالم شدن را دارند.
رشد هم‌زمان	رشد جامعه و دانشگاه دیالکتیک است و همدیگر را رشد می‌دهند.
امت‌گرا	دانشگاه اسلامی باید امت بودن این امت را برگرداند و مفهوم جامعه را اصلاح کند و انسان‌ها خود را امت ببینند. یکی از کارهایی که دانشگاه باید انجام دهد، برگرداندن مفهوم امت به ذهن و ضمیر کنشگران است.
نیازمحور	مقاله باید مسئله‌ها را حل کند. در برخی جوامع، جامعه و دانشگاه با هم عجین هستند؛ علت این است که نیاز و دانشگاه زیر یک سقف متولد شده‌اند. دانشگاه باید طبق نیازهای جامعه، به جذب دانشجو و جذب فارغ‌التحصیل اقدام کند.
امنیت‌آفرین	باید بر اساس رویکرد دینی، شاخص‌های استاندارد برای محیط زیست و عمل‌کرد کارخانه‌ها طراحی کنیم. همچنین بهداشت محیط، باید از فقه ما بیرون بیاید.
مشارکت‌بخش	دانشگاهی که زمینه مشارکت مردم در تولید علم را فراهم کند، دانشگاه مسئولیت‌پذیر و پاسخگوست.
انعطاف‌پذیر	برای مدیریت، انعطاف و پویایی نیاز است. تمرکزگرایی و پیچیدگی موجود، بیش از اندازه است.
سریع	تحولات اجتماعی و علمی بسیار سریع است، اما سرعت جامعه این گونه نیست، بسیار پایین است.



مضامین پایه	سند مصاحبه
آینده‌نگر	هزینه دانشگاه را از منابع عمومی تأمین می‌کنند تا در آینده، پاسخ مشکلات علمی را از دانشگاه دریافت کنند. دانشگاه علاوه بر حل مسئله، باید آینده‌پژوهی کند؛ حداقل ده سال آینده را پیش‌بینی کند و برای حل مسئله‌های آن بیندیشد.
فرهنگ خدمتگزاری	دانشجویان وظیفه دارند که در مسائل اجتماعی ای‌فای نقش کنند و در جهت حل معضلات مردم، محرومیت‌زدایی و ... کار کنند.
خدمت تبرعی	دانشگاه باید مثل حوزه‌های علمیه خدمات تبرعی عرضه کند؛ علم فروشی خیانت است.
خدمت علمی	دانشگاه باید خدمات علمی به مردم بدهد.
عمومی‌سازی دانش	در بخش علوم انسانی، اگر دانشگاه می‌خواهد بقا پیدا کند، باید دانش را عمومی‌سازی کند.
رفاه عمومی	عملکرد دانشگاه باید برای ایجاد رفاه در جامعه باشد.
توسعه دانش عمومی	توسعه دانش عمومی، همانند ارتقای بهداشت عمومی وظیفه دانشگاه است.

این مضامین همان‌گونه که در شکل (۲) نشان داده شده است، در هشت مضمون مکتبی، اخلاقی، مردمی، انقلابی، عدالت محور، رشدآفرین، پویا، و خدمتگزار، سازمان دهی شدند.

(۱) مکتبی: مقوله‌های تابع نظام معنایی مشترک، توحیدی، مدافع ارزش‌ها، و اهل تعامل با نهادهای دینی، مفاهیمی اند که ویژگی و نوع ارتباط دانشگاه با دین اسلام را نشان می‌دهند. همه این مفاهیم را می‌توان در ذیل مفهوم انتزاعی «مکتبی» سازماندهی کرد.

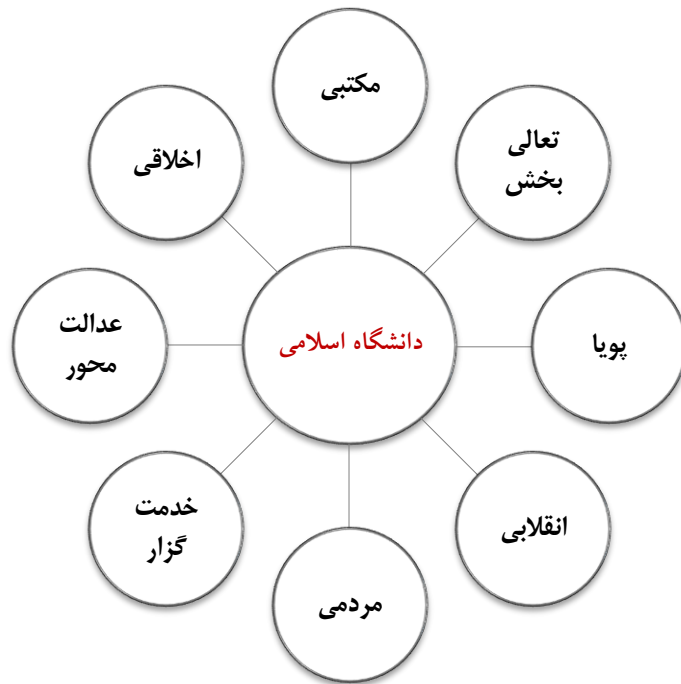
(۲) اخلاقی: مفاهیم و مقوله اخلاق اسلامی و فضیلت‌گرایانه، اخلاق حرفه‌ای و کرامت انسانی، مفاهیمی هستند که ارزش‌های اخلاقی حاکم بر فرهنگ سازمانی را نشان می‌دهند و در ذیل مفهوم اخلاق محوری جمع‌پذیرند.

(۳) مردمی: مقوله‌های امت‌گرا (جامعه محور)، نیازمحور، امنیت‌آفرین و مشارکت‌بخش مفاهیمی هستند که به نوع ارتباط دانشگاه با احاد جامعه مربوط می‌شوند. مفهوم مردمی، نظام‌بخش این مقوله‌ها می‌تواند باشد.

(۴) انقلابی: مقوله‌های ولایت‌پذیر و پاسخگو بودن، نوع رابطه دانشگاه اسلامی با نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه در عصر غیبت را تبیین می‌کنند. از مفهوم ولایی برای تبیین این دو مقوله می‌توان استفاده کرد.



- (۵) **عدالت محور:** مقوله‌های حق محور، قانون‌گرا، عدالت رفتاری، عدالت ساختاری، عدالت توزیعی، و شایسته سالاری، مهم‌ترین ارزش‌های حاکم بر روابط دانشگاه با جامعه اسلامی را نشان می‌دهند. همه این مقوله‌ها با مقوله عدالت محوری سازماندهی می‌شوند.
- (۶) **تعالی بخش:** مفاهیم رشد علمی و هم‌زمان، یکی از هدف‌های ارتباط دانشگاه با جامعه را نشان می‌دهند. برای سازماندهی این دو مفهوم، استفاده از واژه «تعالی بخش» مناسب است.
- (۷) **پویا:** مفاهیم انعطاف‌پذیر، سریع، و آینده‌نگر، مفاهیمی هستند که نوع و ویژگی ساختار مدیریتی و سازمانی دانشگاه را نشان می‌دهند. مفهوم «پویایی» در برگرفته این دو مفهوم است.
- (۸) **خدمت‌گزار:** مفاهیم خدمت‌تبرعی، خدمت علمی، عمومی کردن دانش، توسعه دانش، و فرهنگ خدمت، مقوله‌هایی هستند که انواع خدمات دانشگاه به جامعه را نشان می‌دهند. از مفهوم خدمت‌گزار، برای سازماندهی آنها می‌توان استفاده کرد.

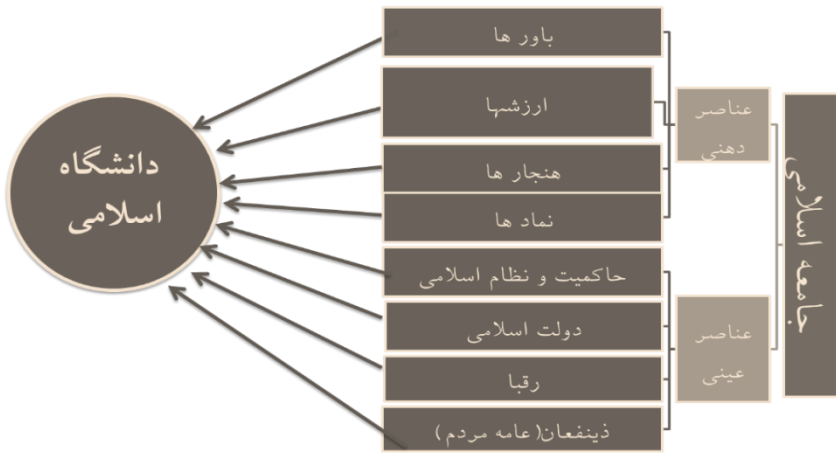


شکل ۲: مضامین شناساننده سازمان دانشگاه اسلامی



۲. قلمرو دانشگاه

بررسی رابطه مقوله‌های مردمی، انقلابی، مکتبی و اخلاقی، نشان می‌دهد که دانشگاه با عناصر افراد جامعه، حکومت اسلامی، دین، و اخلاق در ارتباط است. به دلیل تفاوت این مفاهیم در عینی و ذهنی بودن، ارتباط دانشگاه با محیط نیز به دو بعد عینی^۱ و ذهنی^۲ تقسیم می‌شود. بنابراین دانشگاه اسلامی با عناصر ذهنی و عینی جامعه اسلامی در ارتباط است. عناصر شامل باورها و اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، و نمادهای دینی و اسلامی و ملی جامعه است. عناصر عینی عبارت‌اند از: حاکمیت و نظام سیاسی حاکم بر کشور، دولت اسلامی، رقبا (سازمان‌ها و نهادهای آموزشی، پژوهشی، و فرهنگی-تربیتی دولتی و مردم نهاد)، و مشتریان دانشگاه (صنعت، بازار، بنگاه‌های اقتصادی و مراکز تولیدی و...)، و ذی‌نفعان (عامه مردم). در شکل (۳) ارتباط دانشگاه با عناصر ذهنی و عینی نشان داده شده است.



شکل ۳: ارتباط دانشگاه با عناصر ذهنی و عینی

1. Objective.
2. Subjective.



نتیجه گیری

مفاهیم پایه و سازمان دهنده که یاد شد، تا حدی بیانگر ویژگی سازمان دانشگاه بودند، اما تشکیل شبکه مضامین و یافتن پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌های تحقیق، نیازمند بررسی بیشتر درباره نسبت مضامین با یکدیگر است؛ با این توضیح که مقوله‌های به دست آمده از مصاحبه، نشان می‌دهد که الگوی سازمان دانشگاه اسلامی به سمت شاخص‌های محیطی می‌رود و عنصر جامعه و محیط اصلی‌ترین نقش را در این الگو دارد.

۱. سازمان دانشگاه به مثابه نهاد انطباق‌پذیر و انعطاف‌پذیر

سازمان دانشگاه اسلامی با انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری در برابر ارزش‌های جامعه اسلامی معنا پیدا می‌کند. بنابراین مفاهیم هشت‌گانه در جدول شماره (۲) با دو مفهوم انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری سازماندهی می‌شوند.

هر کدام از این دو مفهوم، بیانگر ویژگی‌هایی از سازمان دانشگاه اسلامی اند. مفهوم انعطاف‌پذیری، متوجه اصلاحات و الزامات درون‌سازمانی است؛ در واقع بیانگر این است که دانشگاه ابتدا باید درون خویش را از ارزش‌های مدرنیته خالی کند، آنگاه با ارزش‌های محیطی منطبق شود. مفهوم انطباق-پذیری، به مباحث برون‌سازمانی (محیط) دانشگاه اشاره دارد که دانشگاه بعد از پذیرش تغییر، خود را با ارزش‌ها و باورهای جامعه، مملو سازد. بنابراین مفاهیم انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری، همچون خطی، سازمان دانشگاه را به دو بخش درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، سپس به دو قسمت عناصر زمینه‌ای و ساختاری تقسیم می‌کنند. انعطاف‌پذیری، مربوط به بخش درون‌سازمانی و ساختار دانشگاه، و انطباق-پذیری متوجه بخش برون‌سازمانی و عناصر زمینه‌ای آن می‌شود. اما پاسخ به این پرسش که سازمان دانشگاه انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر چه نوع سازمانی است و با کدام الگوی سازمانی، باید خود را مهندسی مجدد کند، نیازمند مفهومی گویاتر و جامع‌تر است که بتواند این مفاهیم را کامل در برگیرد. با توجه به مفاهیمی که در مصاحبه بیان شد، به نظر می‌رسد مفهوم «*نهادی شدن*»^۱ که از نظریه «*نهادی شدن*» سلزینک عاریت گرفته شده است، قابلیت و ظرفیت چنین کاری را دارد؛ به دلیل اینکه نهادی شدن سازمان دانشگاه و انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری آن با جامعه اسلامی، به آسانی منجر به

1. Institution.

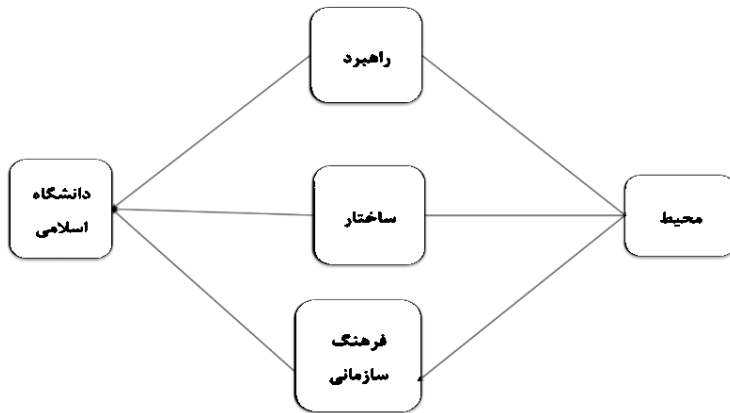


حل تضاد دانشگاه با جامعه در ایران و آشتی آن با جامعه، و مشروعیت‌بخشی به دانشگاه از طرف محیط و... می‌شود. بنابراین می‌توان گفت سازمان دانشگاه به مثابه نهاد انطباق‌پذیر و انعطاف‌پذیر است و دانشگاه برای انطباق‌پذیری باید الگوی نهادی به خود بگیرد و خود را با فشارهای گروه‌های داخلی هماهنگ کند و با ارزش‌های محیطی نیز منطبق سازد (هچ، ۱۳۸۹: ۱۷۶)؛ همچنین برای به دست آوردن مشروعیت نهادی، قدرت سیاسی، و تناسب اجتماعی و اقتصادی، با عناصر ذهنی و عینی جامعه همکاری کند؛ برای انعطاف‌پذیر شدن نیز نیازمند تأکید بر فرایندهای اداری منعطف، واکنش سریع و صحیح در برابر تحولات محیطی، و توجه به نیازهای مردم و امت اسلامی و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های محیطی و اجتماعی است. بنابراین انعطاف‌پذیری، مفهومی است که بیشتر بر ارگانیک و پویا و نوآور بودن ساختار دانشگاه اسلامی دلالت دارد (ایروانی، ۱۳۹۱: ۸).

۲. عناصر نهادی

همان‌گونه که گذشت، هر سازمانی از عناصر زمینه‌ای و ساختاری شکل گرفته است و این عناصر نیز همیشه به یک اندازه در تحولات سازمان نقش ایفا نمی‌کنند؛ چه بسا برخی نسبت به دیگری، اهمیت و نقش بیشتری داشته باشند. بنابراین با روشن شدن این نکته که سازمان دانشگاه با نهادی شدن، به انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری دست می‌یابد، پرسش دوم این تحقیق، مطرح می‌شود: در رویکرد جدید، کدام یک از عناصر از تأثیر و تأثر بیشتری برخوردارند؟

در پاسخ به این پرسش، بررسی داده‌ها روشن می‌سازد که مضامین پایه و شناساننده، بیشتر با سه عنصر ساختار و راهبرد و فرهنگ سازمانی در ارتباط‌اند. بنابراین در تعامل دانشگاه با جامعه اسلامی، سه عنصر راهبرد (استراتژی)، ساختار، و فرهنگ سازمانی، بیشترین نقش و تأثیر و تأثر از محیط را دارند. شکل (۴) عناصر مؤثر در ارتباط دانشگاه با محیط را نشان می‌دهد.



شکل ۴: عناصر سازمانی مؤثر ارتباط دانشگاه با محیط

بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تحقیق بیان کرد که الگوی نهادی شدن، سازمان دانشگاه مدرن و الگوگرفته از غرب را به سمت هماهنگی با نهادهای اجتماعی بومی و دینی، به‌ویژه به سمت نهاد علم بومی سوق می‌دهد و برخلاف تصور برخی که گمان می‌کنند جامعه ایران برای توسعه و پیشرفت، نیازمند هماهنگی با دانشگاه است، در الگوی نهادی شدن، این دانشگاه است که نیازمند مطالعه و یادگیری از جامعه اسلامی و غور در ارزش‌ها و میراث علمی و فرهنگی آن است. همچنین نکات ذیل نیز از مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان و مطلعان، به دست آمد:

- ۱) دانشگاه اسلامی بیشترین توجه را به متغیر محیط و جامعه اسلامی دارد و جامعه اسلامی ضامن بقا و رشد و تعالی و کارآمدی دانشگاه است؛
- ۲) دانشگاه اسلامی به منابع محیطی و نهادهای اجتماعی-سیاسی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی، وابستگی شدید دارد؛ به این معنا که اگر محیط، اقبال کافی به دانشگاه نشان ندهد، ادامه حیات دانشگاه در آن محیط، کاری بس دشوار و حتی ناموفق خواهد بود؛
- ۳) دانشگاه اسلامی شامل مجموعه‌ای از روابط، نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی آشکار و پنهان در سه سطح محلی و ملی و بین‌المللی است؛
- ۴) هویت و سرنوشت دانشگاهیان، به جامعه اسلامی و ارزش‌های آن گره خورده است. تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، خدمت‌رسانی، پاسخگویی و کار جهادی، هویت فرهنگی را دانشگاهیان را نهادینه می‌کند؛
- ۵) دانشگاه اسلامی با عناصر عینی (حاکمیت، دولت اسلامی، رقبا، مشتریان) و عناصر ذهنی (باورها و ارزش‌ها، هنجارها، نمادها) در ارتباط است؛



- ۶) دانشگاه علاوه بر نهاد اولیه علم، با سایر نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و محیطی، از جمله با نهاد دولت اسلامی، روابط متقابل و دوطرفه دارد؛
- ۷) دانشگاه به عنوان نهادی اجتماعی، در به حرکت درآوردن چرخ‌های پیشرفت در جوامع و کاهش فقر و توسعه منابع انسانی، نقش مهمی دارد و با اشتغال، اوقات فراغت، طبقه‌های اجتماعی و افراد جامعه در ارتباط است؛
- ۸) دانشگاه در حل مسائل زیست‌محیطی و در برقراری عدالت در جامعه، به‌ویژه عدالت آموزشی، نقش مهمی ایفا می‌کند؛
- ۹) دانشگاه با فرهنگ عمومی جامعه، شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای جامعه، مرتبط است و وظیفه بازتولید و بازاندیشی و گسترش ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی را بر عهده دارد و یکی از داوران اصلی ارزش‌گذار بر فرهنگ عمومی جامعه است؛
- ۱۰) همچنین روشن شد که اسلامی شدن دانشگاه متوجه همه لایه‌های دانشگاه است و مفاهیم دینی و اسلامی در همه جای آن سریان و جریان دارند.



منابع

منابع فارسی

- (۱) اسکات، ریچارد دبلیو، ۱۳۸۷، *نهادها و سازمان‌ها*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- (۲) افتخاری، اصغر، ۱۳۹۶، *مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی: ارزش و دانش*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- (۳) ایروانی، محمدجواد، ۱۳۹۱، *طراحی مفهومی مدل استخراج ویژگی‌های نهادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*، مجموعه مقالات همایش نهادگرایی سپاه، تهران، نشر مرکز راهبردی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- (۴) پاتریشیاجی، گامپورت، ۱۳۹۶، *جامعه‌شناسی آموزش عالی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران، نشر سمیه، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- (۵) تسلیمی، محمدسعید؛ میرزایی اهرنجانی، حسن؛ محسنی، منوچهر؛ قلی‌پور، آرین، ۱۳۸۲، «طراحی و تبیین مدل دیالکتیکی نهادی شدن سازمان»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانش مدیریت*، سال شانزدهم، ۳۸-۳.
- (۶) حسین‌قلیزاده، رضوان، ۱۳۹۰، «تناسب آموزش عالی با تأکید بر نقش اجتماعی دانشگاه در جامعه دانش محور»، *نامه آموزش عالی*، سال چهارم (۱۳)، ۱۲۱.
- (۷) خرمشاد، محمدباقر؛ آدمی ابرقوئی، علی، ۱۳۸۸، «انقلاب اسلامی انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران*، سال دوم (۲)، ص ۱۶۱-۱۸۸.
- (۸) دفت، ریچارد ال، ۱۳۹۰، *مبانی تئوری و طراحی سازمان*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، چاپ هفتم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- (۹) دلاور علی، ۱۳۸۳، *مبانی نظری و عملی پژوهش*، تهران، رشد.
- (۱۰) ردادی، علی؛ باقری‌کنی، مصباح‌الهدی؛ حاجی‌پور، بهمن، ۱۳۹۳، «بررسی پاسخ‌های سازمانی به فشارهای نهادی، موردکاوی»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، دانشگاه امام صادق (ع)، سال سوم (۷)، ص ۱۲۹-۱۴۲.
- (۱۱) سروش عبدالکریم، ۱۳۸۶، «یکبار انقلاب فرهنگی کافی بود» روزنامه هم‌میهن، یکشنبه ۲۰ خرداد.



- ۱۲) سفیدخوش، میثم، ۱۳۹۵، *دانشگاه در ایده دانشگاه*، نقد کتاب کلام فلسفه عرفان، بهار و تابستان، سال سوم، ص ۱۳۳-۱۰۰.
- ۱۳) سوزنچی، حسین، ۱۳۸۹، *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۴) عابدی، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد؛ ۱۳۹۰، *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.
- ۱۵) فاتح‌راد، مهدی؛ نقوی، محمدحسین، ۱۳۹۲، *دانشگاه حکمت‌بنیان و قلب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ۱۶) فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۶، *گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران: مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه پژوهی*، تهران، آگاه.
- ۱۷) _____، ۱۳۸۸، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران؛ بررسی تاریخی آموزش عالی و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۸) فرنج‌درک؛ ساورد، هیثر، ۱۳۷۰، *فرهنگ مدیریت*، ترجمه محمد صائبی، انتشارات مرکز آموزش دولتی.
- ۱۹) فرهادی‌راد، حمید؛ میرکمالی، سید محمد، ۱۳۹۱، «طراحی مدلی برای اندازه‌گیری سازگاری سازمانی دانشگاه با محیط بیرونی (مطالعه دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، *علوم تربیتی*، سال نوزدهم، ص ۲۳-۴۴.
- ۲۰) فلیک، اووه، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ۱۳۸۸، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- ۲۱) جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، *مجموعه مقالات، ایده دانشگاه*، ترجمه میثم سفیدخوش، تهران، انتشارات حکمت.
- ۲۲) مشبکی، اصغر؛ سهیلا، خدای؛ تقوی شوازی، الهه، ۱۳۸۹، *نظریه نهادی نوین تلفیقی و نقش آن بر ایجاد مزیت رقابتی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال دوم، ۱۷۳-۱۴۹.
- ۲۳) مصباح‌یزدی، علی و دیگران، ۱۳۶۱، *علوم انسانی؛ اسلام و انقلاب فرهنگی*، تهران، جهاد دانشگاهی.



- ۲۴) معیدفر، سعید، ۱۳۸۶، *دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها*، ویراستاران: فرهاد امام‌جمعه، عبدالله بیچرانلو، لیلا کیانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۲۵) نصر، احمدرضا؛ کریمی، صدیقه، ۱۳۹۲، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه دو فصلنامه علمی ترویجی *عیار پژوهش در علوم انسانی*.
- ۲۶) نصر، سیدحسین، ۱۳۸۴، *معارف اسلامی در جهان معاصر*، تهران، شرکت سهامی کتاب جیبی.
- ۲۷) هچ، مری‌جو؛ کانلیف، آن‌ال، ۱۳۸۹، *نظریه سازمان: مدرن، نمادین، تفسیری و پست‌مدرن*، ترجمه حسن دانانی‌فرد، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- ۲۸) یاسپرس، کارل، ۱۳۹۵، *ایده دانشگاه*، ترجمه مهدی پارساخانقاه و مهرداد پارساخانقاه، تهران، ققنوس.

منابع انگلیسی

- 1) Alfonso, B. C., 1993, *The University as an Institution Today* UNESCO, Publishing, Paris .
- 2) Attride -Stirling, J., 2001, Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, *Qualitative research*, 1(3), p.385-405.
- 3) Attride-Stirling, J., 2001, Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, *Qualitative research*, 1(3), p.385 -405.
- 4) Birnbaum, R., & Edelson, P. J., 1989, .How colleges work the cybernetics of academic organization and leadership, In: Taylor & Francis.
- 5) Boyatzis, R. E., 1998, *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*: sage.
- 6) Gumpert, P. J., 2007, *Sociology of higher education: Contributions and their contexts*: JHU Press.
- 7) Habermas, J., 1971, *Toward a rational society: Student protest, science, and politics* (Vol. 404): Beacon Press.
- 8) Menashri, D., 1992, *Education and the making of modern Iran*:

Cornell University Press Ithaca, NY.

- 9) Schultz, D. (2005). The corporate university in American society. Logos, 4(4), P.1.
- 10) Scott Richard, W., 1995, Institutions and organizations, Ideas and Interests, Los Angeles .